

در سرتو احکام

«روش‌های بیان احکام»

تألیف:

رضا قربانیان

تهیه:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان

انتشارات اقیانوس معرفت

سرشناسه	:	قربانیان، رضا، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	در پرتو احکام : روش‌های بیان احکام / رضا قربانیان؛ تهیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان.
مشخصات نشر	:	اصفهان: اقیانوس معرفت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۰ ص.: نمودار.
شابک	:	978-600-5301-52-6
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
عنوان دیگر	:	روش‌های بیان احکام.
موضوع	:	فقه جعفری -- رساله عملیه
موضوع	:	اسلام -- تبلیغات
شناسه افزوده	:	حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. شعبه استان اصفهان
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۰ ۴ د ۴ / ۹ / ۱۸۳ BP
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۳۴۲۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۵۵۲۸۳۳

در پرتو احکام
«روش‌های بیان احکام»

مؤلف: رضا قربانیان

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان

ناشر: آفتاب‌نوس معرفت

قطع و تعداد صفحات: وزیری ۱۶۰۰ صفحه

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه * نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

لینوگرافی: آسمان * چاپ: هشت بهشت * صحافی: امین

شابک: ۶ - ۵۲ - ۵۳۰۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸

مدیر تولید: سید محسن موسوی

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است.

تلفکس ناشر: ۴۴۸۴۲۲۷ (۰۳۱۱) * همراه: ۵۷۵۴ ۳۰۰ ۰۹۱۳

فهرست

مقدمه	۱۱
بخش اول: جایگاه و عظمت احکام	
جایگاه احکام در نظام تکوین و تشریع	۲۵
احکام الهی غذای روح بشر	۲۶
احکام مایه اشباع و سقایت روح انسان	۲۷
سرچشمه پابندی به احکام	۲۸
اهمیت احکام از منظر عقل و منطق	۳۰
اهمیت فراگیری احکام از منظر قرآن و عترت	۳۱
عظمت فراگیری احکام از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)	۳۴
گسترده‌گی و دامنه وسیع و قلمرو احکام	۳۵
اهمیت احکام در نظر علماء و فقها	۳۵
اهمیت احکام در نظر شیعیان صدر اسلام	۳۶
فقه و فقها و فقاہت	۳۶

۳۹	تقلید و اجتهاد
۴۰	پرسش و پاسخ یا در جستجوی مسایل
۴۱	مباحث کلی فقه و احکام و تکلیف
۴۳	فهرست احکام
۴۵	تکلیف و تقلید
۴۶	سن بلوغ و تکلیف
۴۷	عمل به تکالیف
۴۸	الزامی بودن تکالیف
۴۸	اسباب سقوط تکلیف
۴۸	نظر مجتهد در ارتباط با مقلد و بعضی از اصطلاحات فقهی
۵۳	راه‌های شناخت مجتهد جامع الشرایط و مجتهد اعلم
۵۳	بقاء بر تقلید میت
۵۳	چند مسأله قابل توجه درباره تقلید

بخش دوم: روش‌های بیان احکام

۵۹	روش‌های بیان احکام
۶۳	۱- شیوه ابزاری و پرسش و پاسخ
۶۴	۲- شیوه عملی
۶۵	۳- شیوه عاطفی و تشویقی
۶۷	۴- شیوه بیان فلسفه و اسرار احکام
۶۸	فلسفه بعضی از موارد نظام تکوین
۶۹	فلسفه یا اسرار بعضی از موارد نظام تشریع
۷۰	نکته مهم پیرامون فلسفه طهارات ثلاث

۷۰	۵- شیوه دسته بندی و نموداری مناسب و جامع
۷۱	دسته بندی و مراحل آموزشی
۷۲	نمونه هایی از دسته بندی مرحله اول
۷۳	حالات انسان
۷۴	شکایات
۷۶	دستور سجده سهو
۷۷	نماز احتیاط
۷۷	نمونه ای دیگر از دسته بندی مرحله دوم (بحث طهارت)
۷۸	اقسام طهارت
۷۸	۱- طهارت ظاهری (پاکیزگی)
۷۹	۲- طهارت ظاهری (طهارت از خبیث)
۸۰	نجاسات
۸۷	مطهرات ده چیز است
۹۵	کیفیت یا نحوه طهارت
۹۶	۳- طهارت ظاهری و باطنی (طهارات ثلاث یا طهارت از حدث)
۹۷	وضو
۱۰۳	غسل
۱۰۵	تیمم
۱۰۸	۴- طهارت باطنی
۱۰۹	نجاسات باطنی ده چیز است
۱۱۰	مطهرات باطنی ده چیز است
۱۱۱	کیفیت یا نحوه طهارت باطنی
۱۱۲	آب وسیله طهارت است

- ۱۱۴ آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می‌کند
- ۱۱۵ طهارات ثلاث فی حد نفسه واجب نیست بلکه به خاطر نماز واجب می‌شود
- ۱۱۸ کارنامه احکام
- ۱۱۹ کارنامه نماز
- ۱۲۰ راهنمایی
- ۱۲۱ فرم مصاحبه و ارزیابی نماز
- ۱۲۲ نمودار حلیت و حرمت غذاهای حیوانی

بخش سوم: پرسش و پاسخ

- ۱۲۵ ۱۱۰ سؤال و جواب متداول و مهم احکام

www.ketab.ir

مقدمه

تمام جهان هستی در سه کتاب زمین و به هم پیوسته خلاصه شده که هریک از این سه کتاب دارای صفحات یا اوراق خاص و اسرار فراوانی است؛ «هر ورقش دفتری است معرفت کردگار».

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی خبریم اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است

۱- کتاب تکوین (طبیعت و نظام آفرینش)

﴿لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۱ عالم آفرینش مانند کتاب بزرگی است که همه چیز در آن وجود دارد و دارای اوراق بسیاری است. اوراق و صفحات این کتاب عظیم عبارت است از: آسمان، زمین، کهکشان‌ها، کوه‌ها، ستارگان، دریاها، خورشید، ماه و ... که پیوسته تسبیح گویان به طور قهری در سه حالت (مانند حالات نماز) به سر می‌برند: الف: قیام (مثل کوه‌ها و درختان)؛ ب: رکوع (نظر چهارپایان)؛ ج: سجود (مانند خرنندگان)؛ ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ﴾^۲.

۱. انعام: ۵۹.

۲. اسراء: ۴۴.

کتاب تکوین در یک محاسبه عمیق و نظم و میزان خاصی قرار دارد و هر چیزی در مدار و سرنوشت خود به راه خود ادامه می دهد: ﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَ النُّجُومُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ﴾. در این میان، تنها موجودی که گاهی ناهم رنگ با طبیعت است و به طغیان و تجاوز از حد خود روی می آورد انسان است: ﴿أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ﴾.^۱

۲- کتاب تشریع (قرآن و دیگر کتب آسمانی)

﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾.^۲ قرآن حاوی تمام کتب آسمانی بوده و مانند کتاب تکوین هیچ چیزی در آن فروگذار نشده است: ﴿مَا قَرُّنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾.^۳ قرآن دارای اوراقی است که هر ورق بلکه هر کلمه‌ای از آن کتاب مبارک و کریم و عظیم، معجزه الهی و همچون کتاب تکوین در کمیات و کیفیات و نیز اعداد و ارقام معلوم اسرار و آیه‌های آن نیز چون ستاره‌های آسمان چشمک‌زنان اطراف وجود انسان را روشنایی می‌بخشد. در این کتاب مبین، هدایت، رحمت و بشارت و بیان هر چیزی موجود است: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾.^۴

۳- کتاب وجود انسان

أَنْزَعِمَ أَنْتَكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ الطَّوِيُّ الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ
وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي بِأَحْرِفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ

۱. رحمن: ۵-۸.

۲. مائده: ۱۵.

۳. انعام: ۳۸.

۴. نحل: ۸۹.

۵. دیوان منسوب به امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص ۱۷۵.

انسان ماهیتی است ناشناخته و مجموعه‌ای از اسرار پیچیده که زیر پوشش‌های قدرت آفریدگار عالم مستور می‌باشد و در حقیقت چون گنجینه‌ای است که انبیای الهی او را از زیر خاک آشکار ساخته و یا چون معدن طلا و نقره و فلزات گرانبها است که معدن شناسان الهی آن را استخراج کرده‌اند. منتها الیه انسان خداست؛ همان‌طور که مرجع وصولش نیز خداست: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾.^۱

تو یک لفظی اما طلسم عجایب دریغا که معنای خود را ندانی
تویی آن کتاب مقدس که در وی نبشته همه رازهای نهانی

وجود تبارکی انسان کتابی است بسیار با عظمت با اوراقی فراوان، در عظمت او همین بس که خالق انسان او را مانند کعبه به خود نسبت داده: ﴿طَهَّرُ بَيْتِي﴾^۲، ﴿نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾^۳.

لب و حقیقت مطلب آن است که با توجه به فلسفه عالم هستی، در بین این سه کتاب، هدف اصلی، انسان است و آن دو کتاب دیگر (کتاب تکوین و تشریع) برای انسان و در اختیار او قرار دارد: ﴿خَلَقَ لَكُمْ﴾^۴. خداوند متعال از باب قاعده لطف، انسانی را که با هدفی مشخص آفریده، از تمام اوراق تکوین و تشریع نیز برخوردار نموده است. اوراق کتاب وجود انسان که صفحه اولش از عالم ذر آغاز شده و تا بی‌نهایت ورق‌زده خواهد شد تا بالاخره به ورق آخر یعنی ابدیت برسد، باید راهی طولانی را تا «الیه راجعون» طی کند. به طور قهری و حرکت اجباری انسان عوالمی را از عالم ذر تا کنون طی کرده و از هم اکنون تا ابدیت نیز طی خواهد نمود.

۱. بقره: ۱۵۶.

۲. حج: ۲۶.

۳. ص: ۷۲.

۴. بقره: ۲۹.

خداوند متعال در بین تمام موجودات جهان هستی تنها به انسان این امتیاز را عنایت فرمود تا با اختیار و اراده خود حرکت اختیاری و تکاملی داشته باشد. دو چیز مهم لازمه این حرکت و نیاز بشر است: یکی ابزار و وسیله مناسب برای زندگی، و دیگر راهنما برای راه تکامل و رشد.

کتاب تکوین و طبیعت با تمام اوراق زیبا و دلنشینی که دارد به طور کامل در اختیار و تسخیر انسان قرار گرفته تا انسان در بستری مهیا و مناسب زندگی انسانی داشته باشد و در این چهارده تکامل، رشد و ترقی نماید. خورشید و دیگر موجودات از عمق جانشان مایه می‌گذارند و خود را فدای انسان و برای او ایثار می‌کنند. مانند پروانه دور شمع وجود انسان می‌سوزند تا عمرشان تمام شود و تمام وجودشان ورق ورق در راه بشر در هم فرو ریزد: ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ...﴾^۱، ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ فَجَّرَتْ...﴾^۲، ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا...﴾^۳.

به طور کلی، ساختمان عالم از روز نخست به صورتی طراحی، مهندسی و معماری شده تا نیازهای بشر تأمین گردد. هدف عالی از این آفرینش و معماری جهان، انسان کامل بود؛ انسانی که ثمره شجره وجود است و همه چیز را خداوند به خاطر او آفریده است: (خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ وَخَلَقْتُكَ يَا عَلِيَّ)^۴. بنابراین، از نظر عقلی و علمی، اول هدف یا علت غایی که همان علت فاعلی است انسان کامل بود؛ بعد علت صوری و مادی.

۱. نکویر: ۱-۲.

۲. انفطار: ۳.

۳. زلزله: ۱.

۴. الجواهر السنیه، ص ۷۱۰، (حدیث قدسی)

- کتاب تشریح (قرآن و کتب آسمانی) نیز به عنوان راهنمای راه زندگی و وسیله‌ای برای هدایت: ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۱، هزاران گل به گلستان وجود انسان که گل سرسید موجودات عالم است نثار نمود: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾^۲ و از همان ورق اولش که سوره حمد و شفا است انسان را در پوشش هدایت و شفا و سلامتی قرار داد.

لطیفه‌ای زیبا: ورق اول وجود انسان، عالم ذر و عالم عهد و میثاق است: ﴿أَلَمْ نَعْهَدْ لِإِبْنِكُمْ يَا بَنِي آدَمَ...﴾^۳ که خداوند در آغاز خلقت، ذرات عالم و انسان‌ها را آفرید و آنان را مختار ساخت تا جرد راه حق را انتخاب کنند که عده‌ای مقام برتر و والاتر یافتند: ﴿وَعَلَّمْتَهُمُ الْوَفَاءَ بِعَهْدِهِمْ...﴾^۴ سپس ذرات وجودی انسان‌ها یا ارواح آنان به سخن خدا و عهد و میثاق الهی بلی گفتند: ﴿قَالُوا بَلَىٰ﴾^۵ چون خدا آب و گل ما را سرشت کرد تقدیر قضا و سرنوشت

هر کسی آنجا بلی گفت و نَعَمْ	در حسینم قدس حق شد مُحْتَرَم
ز آن بَلَسَىٰ فِی بَطْنِ أُمِّهِ شَدَّ سَعِيد	هر که لا گفتا شقی گشت و پلید
عقد آب و گل همانجا بسته شد	نام هر کس ثبت در بسک دسنه شد
حزب باطل یک طرف، حق یک طرف	این طرف خُس، آن طرف ذُرْجَف
راه حق جز راه اهل بیت علیهم السلام نیست	با علی علیه السلام هر کس نباشد خارجی است

۱. بقره: ۲.

۲. اسرا: ۹.

۳. یس: ۶۰.

۴. دعای ندبه.

۵. اعراف: ۱۷۲.

این علی علیه السلام معیار حق و باطل است جز به حب او عمل بی حاصل است
شکر بگذارید ای اهل ولایت که بلی گفتید در قالوا بلی
شکر ای اهل ولایت اهل بیت علیهم السلام خورده دل هانان جلای اهل بیت علیهم السلام

آری، همان دسته‌ای که در آن عالم بلی گفتند در دنیا نیز بلی می‌گویند. این بلی در آغاز کتاب وجود انسان و در ورق اول این کتاب به قدری شیرین و مهم بود که همان باء بلی و حرف اول آن در سرلوحه آغاز کتاب تشریع یعنی قرآن در ورق اول آن قرار گرفت و نقطه عطف انسان با خدا، با نقطه باء بلی و نقطه «بسم الله» آغاز و با خداوند متعال معطوف گردید. نقطه باء «قالوا بلی»، همچنین نقطه باء «بسم الله الرحمن الرحیم» نقطه عطفی است بین انسان و خدا؛ و همین نقطه عطف، با ولایت عجین گشت؛ زیرا تمام قرآن در سوره حمد و سوره حمد در بسم الله الرحمن الرحیم و این آیه شریفه نیز در باء و باء هم در نقطه آن خلاصه شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «أَنَا نُقْطَةُ تَحْتِ بَاءِ الْبِسْمَةِ...»^۱

نقطه باء ش بود مولی علی علیه السلام را رمز و راز چون که خود فرمود منم آن نقطه زیرین باء
با توجه به ارتباط و هماهنگی صفحه اول کتاب وجود انسان و کتاب تشریع می‌توان گفت:

ما ز آغاز و ز انجام جهان با خبریم اول و آخر این کهنه کتاب نام علی علیه السلام است
آری، این رمز و رازها حکایت از آن دارد که اگر انسان بخواند کتاب وجودش از هر نوع حادثه و آسیبی محفوظ بماند باید به اصل آفرینش خود توجه داشته و کتاب وجود خود را بین دو جلد محکم یعنی قرآن و عترت مجلد نماید (یک طرف

جلد آن، قرآن و طرف دیگر عترت باشد) که در غیر این صورت این کتاب گرانها یعنی انسان دود و خاکستر خواهد شد ﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنسِ﴾^۱.

دو جلد مذکور (به انضمام کتاب تکوین) عامل مهم مصونیت از تمام خطرهای ورق ورق یا پاره پاره شدن کتاب مقدس وجود تبارکی انسان است. این کتاب کریم (قرآن) و مکتب تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) (عترت) تمام صفحات عمر انسان را نورانی و ثمربخش خواهند نمود و از او و ورطه هلاکت حفظ خواهند کرد.

پایبندی به کتاب تشریح ارتباط انسان را با خدا و با خود (در مجموعه عبادات) و ارتباط او را با سایر افراد و موجودات دیگر (در مجموعه معاملات و آداب) تنظیم و هدایت می کند. در این میان، کافی است تنها به تابلو بزرگ و زیبای ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾^۲ در قرآن توجه شود؛ زیرا بدنه و پیکره مقدس اسلام در این کلمه از قرآن نهفته است؛ یعنی تمام اصول و فروع و هدایت و تربیت و همه ابعاد دینی به دنبال همین کلمه بیان گردیده است.^۳

التزام عملی و پایبندی نسبت به احکام الهی که در قالب ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ مطرح گردیده، در حقیقت، پاسخ مثبت و استمرار همان ﴿قَالُوا بَلَىٰ﴾ در آغاز خلقت است که از همان روز نخست در صفحه اول کتاب وجود انسان مکتوب گردید و انسان با انتخاب خود، مجموعه تعهدات و عمل به احکام الهی را پذیرفت.

۱. اعراف: ۱۷۹.

۲. ۸۹ نوبت در قرآن.

۳. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «لَذَّةُ مَا فِي الْإِيمَانِ أَزَالَتْ تَعَبَ الْعِبَادَةِ وَالْغَنَاءُ»؛ لَذَّتْ خُطَابُ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آن چنان است که سختی و مشقت عبادت را از بین برده است [بنابر این روح انسان را برای پذیرش حکم الهی آماده می سازد]. ه [مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۷۱].

براین اساس، جایگاه احکام در زندگی انسان به عظمت جایگاه انسان در نظام آفرینش وسعت دارد و هر سه کتاب عالم هستی (تکوین، تشریع، انسان) در ارتباط با احکام از اهمیت فراوانی برخوردار است و تنها راه نجات انسان از خطرهای و پیچ و خم‌ها یا گرداب خطرناک دنیا، هماهنگ شدن با دو کتاب تکوین و تشریع و توجه کامل به تابلوهای قرآن و آیین‌نامه زندگی یعنی مجموعه احکام الهی است (برای رسیدن به معرفت الهی و کمالات نیز راهی جز عبور از مسیر احکام و فقاقت نخواهد بود).

بنابراین، همان‌گونه که هنگام تردد در خیابان‌ها باید به آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی توجه نمود، مجموعه احکام (بایدها و نبایدها و حرام و حلال خدا) نیز آیین‌نامه زندگی است که باید به آن توجه کرد و در خیابان‌های زندگی به آنها ترتیب اثر داد تا بدین وسیله سالم به مقصد رسید؛ البته عمل نمودن به این تابلوها مترتب بر اخذ گواهینامه و فراگیری یا آموزش احکام است.

آموزش و فراگیری صحیح احکام عملی و اعمال عبادی اسلام نیز مترتب بر مراجعه به کارشناسان دینی یعنی فقها و مراجع معظّم تقلید است که از خداوند متعال چنین ینش و بصیرت دینی را طلب می‌نماییم. عبادات تمرینی قبل از تکلیف نیز به منزله تمرین رانندگی برای اخذ گواهینامه است: «مُرُوا حِمَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ...»^۱

ماشین زندگی انسان مراحل را طی می‌کند تا سرانجام به مقصد برسد. داشتن گواهینامه‌ی معتبر و تخصص، تسلط و عمل به قوانین رانندگی یا تفرای خاص در هر مرحله بسیار اهمیت دارد؛ زیرا جاده‌ها و شرایط مسافرت یکسان و یک‌نواخت نیست، بلکه:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷.

۱. گاهی ماشین در جاده صاف یا اتوبان حرکت می‌کند و ممکن است خطر خواب آلودگی، غفلت، غرور و عجله انسان را تهدید کند. بنابراین، مهارت و تقوای خاص این مرحله از زندگی به آن است که با بیداری و رعایت سرعت، از غرور و غفلت اجتناب کند و گر نه امکان دارد از جاده منحرف و باعث سقوط و خسارات فراوان گردد.

۲. گاهی نیز ماشین در سربالایی قرار می‌گیرد که در این صورت انسان باید با دنده‌ی کمکی و سنگین به سمت بالا حرکت نماید. توقف و بی‌توجهی ممکن است خطر سقوط در دره را به دنبال داشته باشد (افرادی که تازه به تکلیف شرعی و بلوغ می‌رسند باید در سربالایی تکامل یا کمک دیگران، مانند پدر و مادر و مربیان لایق، به سمت بالا حرکت کنند و متوقف نشوند تا به قله مقصود نایل گردند. ان شاء الله).

۳. گاهی نیز ماشین در سرازیری قرار می‌گیرد که انسان باید با دنده‌ی سبک و ترمز مناسب از خطر سقوط جلوگیری کند (غفلت از یاد خدا و انجام دادن گناه، ماشین زندگی را در سرازیری هلاکت و سقوط قرار می‌دهد که اگر با ترمز تقوا مهار و کنترل نگردد انسان را به نابودی سوق خواهد داد).

۴. مرحله دیگری از مراحل تردد ماشین زندگی، حرکت در جاده‌های پر از دست انداز و گردنه‌های خطرناک است که ممکن است در این جاده‌ها پیچ و مهره‌ها و یا فنرهای ماشین آسیب ببیند و از حرکت و ادامه مسیر باز ماند. بنابراین، باید با مهارت و آرامش خاص از این دست اندازها و گردنه‌ها عبور نمود (بعضی از مصایب، گرفتاری‌ها، سختی‌های زندگی، ابتلائات و امتحانات، مانند دست اندازها و گردنه‌های سختی است که انسان را تحت فشار فراوان قرار می‌دهد و گاهی خواب و راحتی را از انسان سلب می‌کند. در این مرحله از زندگی باید با صبر و استقامت و توکل بر خدا فرمان ماشین زندگی را محکم در دست گرفت و با مهارت خاص از

دست اندازها و گردنه‌ها عبور نمود و به این تابلوی زیبای قرآن توجه کرد: **وَإِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...**^۱

ای یوسفا به این رها شدن از چاه دل مبند این بار می‌برند که زندانیت کنند

در ماشین زندگی ما، نفس اماره از داخل و شیطان از خارج، پیوسته انسان را به سوی سقوط و هلاکت سوق می‌دهند و وسوسه می‌کنند تا انسان را از حق دور نمایند؛ به خصوص در شرایط بحرانی و دست اندازها و گردنه‌های سخت زندگی که اگر انسان با استعاضه حقیقی و نصرت الهی بر آنان غالب نشود، بدون تردید هلاک خواهد شد. **﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾**^۲

۵. مرحله دیگری زندگی، ایستگاه‌هایی است که باید انسان توقف کند و پس از توقف کوتاه و انجام مراحل خاص به حرکت خود ادامه دهد، مانند سکوی پرواز هواپیما که مقدمه پرواز به آسمان است. گاهی در ارتباط با مسایل دینی، اعتقادی، اخلاقی و غیره مواردی پیش می‌آید که باید توقف نمود و از ورود در شبهات اجتناب کرد: **«الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَاتِ»**^۳

۶. مرحله دیگر، تقاطع‌ها و دور برگردان‌هایی است که انسان دور می‌زند و برمی‌گردد (ماشین زندگی انسان گاهی باید با توبه و استغفار حقیقی باز گردد و بازگشت به خویشتن داشته باشد؛ همان‌طور که گاهی انسان راه را در بیابان گم می‌کند و دنبال دوربرگردان می‌گردد).

۷. مرحله دیگر که بسیار مهم و حیاتی است، زمانی است که باید سوخت ماشین به وسیله بنزین و غیره تأمین گردد؛ زیرا ماشین بدون بنزین و سوخت امکان حرکت

۱. فصلت: ۳۰، احقاف: ۱۳.

۲. یوسف/۵۳.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵۸، باب ۳۱ (التوقف عند الشبهات و الاحتياط في الدين).

ندارد. بنابراین، باید قبل از تمام شدن بنزین با نگاه به تابلوهای کنار خیابان و علائم یا آمپرهای داخل ماشین اقدام به سوختگیری کرد (نمازهای یومیه و غیره، همچنین روزه در هر سال، مجموعه دعاها، مناجات‌ها، اذکار و غیره به منزله سوخت ماشین زندگی و وجود انسان است که مسأله حرکت و مسافرت را برای انسان امکان پذیر می‌نماید).

نکته بسیار مهم و قابل توجه در تمام مراحل مذکور (هفت مرحله)، توجه کامل به تابلوهای راهنمایی و رانندگی کنار خیابان‌ها و نیز رعایت قوانین و مقررات مربوط به هر مرحله است؛ مانند تنظیم سرعت خاص در اتوبان و خیابان‌های معمولی یا عدم سبقت بی‌مورد و نیز مجهز بودن به لاستیک یخ‌شکن و آمادگی در هنگام هوای مه آلود و جاده‌های لغزنده هنگام بارندگی و امثال آن.

با نگاهی دیگر می‌توان وجود انسان را به مملکتی تشبیه نمود که دارای وزارتخانه‌ها و مرزهای مختلف است؛ مملکتی با میلیاردها جمعیت (سلول) که هیچ مملکتی در دنیا به این اندازه جمعیت ندارد. سلامتی و رشد و مصونیت این مملکت در گرو وزارتخانه‌های فعال و هماهنگ و سالم از داخل و مرزهای مطمئن و کنترل شده از خطر نفوذ دشمن از خارج مملکت است.

مملکتی که وزارتخانه‌های متزلزل و ناهماهنگ و مرزهای ناامن و غیر مطمئن داشته باشد، همیشه در معرض خطر و نابودی از درون و برون خواهد بود. کشور بدن انسان دارای وزارتخانه‌های ارتباطات، اطلاعات، دفاع و دادگستری (مانند مغز و اعصاب، وجدان) و غیره است که اگر مختل شود، سازمان وجودی بدن و سیستم آن تباه خواهد گردید.

همچنین اگر در مرزهای کشور بدن، واردات و صادرات، کنترل و مراقبت نشود خطر نفوذ دشمن و آفت، مملکت بدن را تهدید خواهد نمود. مرزهای کشور بدن «اقانیم سبعه» نام دارد: چشم، گوش، زبان و دهان، دست، پا، شکم، شهوت.

این مملکت از داخل و خارج به وسیله قرآن و مجموعه احکام الهی کنترل و حفظ می‌شود. برای هر مرزی از مرزهای این کشور نیز احکام خاصی مانند حلال و حرام وجود دارد که توجه به آن احکام و عمل نمودن به دستورات و حلال و حرام خدا انسان را از هر نوع خطر و آسیبی محفوظ می‌دارد؛ مثلاً مرز چشم را باید با پرهیز از نگاه حرام کنترل نمود: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ»،^۱ یا مرز گوش را باید با دوری از شنیدن غیبت و امثال آن محفوظ داشت: «السَّمْعُ أَحَدُ الْمُغْتَابِينَ»^۲ همچنین، زبان را باید از آفات فراوان آن حفظ نمود زیرا اگر آزاد و رها باشد مملکت وجود انسان را تباه خواهد ساخت: «اللسان سبع إن خلی عنه عقر».^۳ سایر اعضا و جوارح و مرزهای دیگر بدن را نیز باید مراقبت کرد:

«اعلم أنَّ القلب مثاله مثال حصن و الشيطان عدوٌّ یبید أن یدخل الحصن و یملكه و یتولی علیه و لا یقدر علی حفظ الحصن عن العدو إلا بحراسة أبواب الحصن و مداخله و مواضع ثلمه».^۴

والسلام

رضا قربانیان

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۶.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۵۷.

۴. المحجذ البیضاء، ج ۵، ص ۵۷.